

## ادبیات در هندوستان

دیگری از شعرای قرن هفتم هند حسن نظامی نیشابوری دهلویست صاحب تاج المائر که در ۶۰۲ تمام کرده ، این حسن نظامی را هم باید و صاف هندوستان و کتاب تاج المائر او را باید دره نادره هند لقب داد زیرا از حیث مغلق نویسی نه او کمتر از و صافست و نه کتابش که از تاریخ سلاطین هندست از دره نادره چیزی کم میاید . نویسنده دیگری هم در همین زمان در هندوستان پیدا شده که محمد بن علی بن حمید بن ابوبکر کوفیست و کتاب چچ نامه را که تاریخ فتح سند بدست اعرابست از زبان هندی در زمان معز الدین محمد بن سام و ناصر الدین قباچه بفارسی خوب ترجمه کرده . در این دوره بعضی شعرای درجه دوم هم در هند بوده اند : سلطان جلال الدین فیروز شاه خلجی مؤسس سلسله خلجی ها در بنکاله که از ۶۸۹ تا ۶۹۵ سلطنت کرد شعر فارسی میگفت و ازو که بگذریم احمد لاهوری و حمید الدین لاهوری و شهاب الدین بداونی و مجد الدین باهری و مظفر گجراتی و سپهری هم جای ان دارند که اسمی از ایشان برده شود . اما عرفای معروف این قرن یکی شاه نظام الدین اولیاست مرشد خسرو دهلوی که در دهلی زدگی میکرد و در سال ۷۲۵ درگذشت و دیگری شیخ بهاء الدین زکریا متوفی در مولتان بسال ۶۶۱ مرشد شیخ فیخر الدین عراقی که هر دو از نامی ترین عرفای قرن هفتم بودند و پس از انکه فتنه مغل سلسله عرفای ایران را منقرض کرد تمام توجه متصوفین ایران باین دو پیشوای بزرگ بود . معروفترین نویسنده این قرن در هندوستان ابو عمر منہاج الدین عثمان بن سراج الدین جوزجانیست معروف بمنہاج سراج پسر امام سراج الدین محمد که پیش ازین ذکری از او کردم .

منهاج سراج در دربار پادشاهان غوری بود و مؤلف کتاب معروف طبقات ناصری است که بنام سلطان ناصرالدین محمود شاه غوری تمام کرده و شاملست بر تاریخ هند از آغاز خلقت تا سال ۶۵۸ زمان تالیف و در ضمن مختصری از تاریخ ایران را نیز دربردارد. در حق این کتاب ادبای ایران ستم کرده اند زیرا گذشته از نکات تاریخی بسیار مهم در اوج فصاحت نثر فارسیست و هر صحیفه آن گواهی میدهد که منهاج سراج بی‌همی دوست سال بعد ایرانست مخصوصاً چند صفحه که در شرح فتنه مغل در ایران نوشته شده لایق است که تمام ایرانیان دلسوخته از فتنه مغل آنرا بخوانند و اگر اختیار بامن میبود آن کتاب را یکی از کتب درسی زبان فارسی در مدارس ایران قرار میدادم.

در همین دوره نورالدین محمد عوفی بخارائی هolf لباب الالباب و جوامع الحکایات از فتنه مغل بهندوستان فرار کرده و بدربار ناصرالدین قباچه از ممالیك سلطان شهاب الدین غوری رفته است و پس از آن بدربار سلطان شمس الدین التمش وارد شده و بقیه عمر خود را در دهلی گذرانده و مرد و کتاب خود را در هندوستان تالیف کرده است.

قرن هشتم قرن هشتم همانطور که در ایران بواسطه انقلابات و جنگهای خانگی و آمدن و رفتن سلسله های مختلف برای ادبیات فارسی شوم بود و جز حافظ و سلمان ساوجی و خواجو و عیندزکانی اسم بزرگی در تاریخ ادبیات نداریم همانطور هم در هندوستان دوره تنزلی نسبت بقرون سابق و لاحق پیش آمد زیرا که در هندوستان هم انقلابات و جنگهای خانگی و آمدن و رفتن سلسله های مختلف برای ادبامجالی نگذاشت. سلسله هائی که در قرن هشتم در هندوستان با تمدن ایرانی تشکیل شد نخست سلسله تغلقی های دهلیست که در سال ۷۲۰ غیاث الدین تغلق شاه آنرا تاسیس کرد و تا سال ۸۱۰ برقرار بود - دوم سلسله پادشاهان بنکاله که

در سال ۷۴۹ بتوسط فخرالدین مبارکشاه تاسیس یافت و تا سال ۷۴۶ باقی بود - سوم سلسله الیاسی در مغرب بنگاله که در ۷۴۰ شمس‌الدین الیاس‌شاه مؤسس آن شد و تا ۸۰۹ در پادشاهی بود - چهارم سلسله پادشاهان خاندش که در ۷۷۲ ملک راجه تاسیس کرد و تا سال ۱۰۰۵ سلطنت کرد. پنجم سلسله بهمنی دکن یا پادشاهان کل برکه که علاء‌الدین ظفر خان حسن کاذبو در ۷۴۸ مؤسس آن شد و تا ۹۳۳ برقرار بود -

در میان زده خوردهای متوالی این پنج سلسله مجال برای ادبا نبود که ظهوری کنند و مجال برای پادشاهان نبود که ادیبی را پرورند فقط کسی که قابل ذکر باشد در این دوره از پادشاهان محمد تغلق‌شاه از سلسله تغلقی دهلیست که در ۷۲۵ جلوس کرد و در ۷۵۲ درگذشت و فارسی شعر میگفت و از میان چند نفر شاعر آنکه قابل ذکرست شرف‌الدین پانی پتی است ولی دو نفر نویسنده خوب درین دور، بوده اند که هر دو تربیت شده فیروز شاه تغلقی اند اولی ضیاء‌الدین برانی مؤلف تاریخ فیروز شاهی که در ۷۵۸ تمام شد و دومی شمس سراج‌عقیف صاحب کتاب دیگری با اسم تاریخ فیروز‌شاهی که در ۸۰۱ تمام شده

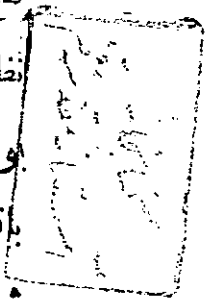
قرن نهم هر چند قرن نهم ادبیات فارسی در هند نسبت بقرن هشتم رو بترقی رفته است باز نسبت بقرون بعد چندان بر جسته نیست و دلیل عمده آن اینست که اولاد تیمور در ایران بقریب و پرورش علما و ادبا و شعرا بسیار شایق بودند و فی الحقیقه می خواستند ایران را از این حیث بشوکت پیش از مغل برسانند و ترکمانان خرابی مغل را جبران کنند مخصوصا در بار ابوالغازی سلطان حسین بایقرا در هرات و آن داد و دهش های شاهانه وزیر خرد پرورش امیر علیشیر نوائی دیگر ادبای ایران را بهانه ای نمیداد که بهندوستان روند و انگهی دنباله آن انقلابات داخلی قرن هشتم در هندوستان هنوز کسسته نشده بود چنانکه در این

دوره‌های سلسله‌های متعدد با هم زدو خورد کردند : اول سلسله سیدها در دهلی بود که بسال ۸۱۷ خضر خان موسس آن شد تا سال ۸۴۷ برقرار ماند . دوم سلسله لودی دهلی که بهاول لودی در ۸۵۵ تاسیس کرد و تا ۹۳۰ باقی ماند - سوم سلسله راجه خان در بنکاله که در سال ۸۱۲ شهاب‌الدین با یزید شاه آنرا تاسیس کرد و تا ۸۳۰ پادشاهی کرد - چهارم خانواده الیاس که بار دوم از ۸۴۶ تا ۸۸۶ سلطنت کردند و ناصرالدین محمود شاه موسس آن شده پنجم سلسله هبشی که سلطان شاهزاده باریک در ۸۹۲ تاسیس کرد و تا ۸۹۶ برقرار ماند - ششم سلسله پادشاهان شرکی جاوینور که در ۷۹۶ خواجه جهان موسس آن شد و تا ۹۰۰ برقرار بود - هفتم سلسله غوری یا پادشاهان مالوا که در ۸۰۴ دلاور خان غوری تاسیس کرد و در ۸۳۸ منقرض شد - هشتم سلسله خلجی در مالوا که از ۸۳۹ تا ۹۳۷ سلطنت کردند و موسس آن محمود شاه خلجی بود - نهم سلسله پادشاهان گجرات که از ۷۹۹ تا ۹۸۰ پادشاهی کردند و مؤسس آن مظفر شاه بن ظفر خان بود این دوره از تاریخ هندوستان را باید دوره ملوک الطوائف هند دانست و البته درین میان مجال برای ادبیات کمتر پیدا می شد در میان شعرای این دوره فیروز شاه بهمنی پادشاه دکن که از ۸۰۰ تا ۸۲۰ سلطنت می کرد شعر فارسی می گفت و یوسف عادلشاه موسس سلسله عادل شاهی در بیجار پور که از ۸۹۵ تا ۹۱۶ شهریاری کرد نیز شاعر بزبان فارسی بود و در شعر یوسف تخلص میکرد . ۱۱۰ شاعر ازک این دوره که مدتی در هند زندگی کرده شیخ نورالدین حمزه بن علی ملک بن حسن طوسی نیهقی اسفراینی متخلص باذریست که در سال ۸۶۶ در اسفراین در گذشت و در میان سفرهای بسیار مدتی هم در دکن در دربار احمد شاه بهمنی بوده و مثنوی بهمن نامه را بجز متقارب و بتقلید شهنامه فردوسی در آن زمان سروده است و شاعر دیگر ملاحیدر اصفهانی متخلص بذهبی بوده

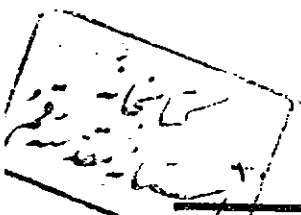
که از دیار خویش بهندرفته و در دربار یوسف عادلشاه پادشاه بیجاپور مانده است. از نثر نویسان درجه اول این عصر یوسف بن احمد بن عثمانست صاحب منظر الانسان در ترجمه و فیات الاعیان ابن خلکان که در زمان محمود شاه اول پادشاه گجرات آنرا تمام کرده، از علمای لغت قاضی خان پدر محمد دهلویست ملقب بدهار وال مؤلف ادات النضلا که در ۸۲۲ تمام شده و دیگر ابراهیم قوام الدین فاروقی صاحب شرفنامه احمد منیری یا فرهنگ ابراهیمی که در محرم ۸۷۸ با تمام رسانیده است، در همین زمان طیب فاضلی هم در هندوستان بوده که بزبان فارسی تالیفات بسیار در طب کرده و او منصور بن محمد بن احمد بن یوسف بن الیاس طیب است صاحب تشریح البدن یا تشریح منصورى و کنایت مجاهدیه یا کنایت منصورى و مؤلفات دیگر - در اواخر قرن نهم کمال الدین حسین بن علی کاشفی واعظ هروی بیهقی معروف بملاحسین کاشفی سر سلسله مؤلفین شیعه بزبان فارسی که در کثرت تالیفات در فنون مختلف از نوادر ایرانست بهندوستان رفت و در آنجا بسال ۹۱۰ در گذشت و بعضی از تالیفات او آخر عمر خود را در هندوستان تمام کرد از آن جمله است کتاب معروف انوار سهیلی که برای امیر نظام الدین احمد سهیلی تمام کرده و بنام او پرداخته است، این امیر نظام الدین سهیلی را نیز باید جزو شعرای این قرن شمرد زیرا که شعر فارسی و ترکی می گفته و سهیلی تخلص می کرده و از طایفه الوس چغتای بوده و در سال ۹۰۷ در گذشته است، پسر حسین کاشفی فخر الدین عای مشهور بصفی هم در ادبیات این دوره مقامی دارد و در سال ۹۰۹ کتابی تالیف کرده است باسم رشحات عین الحیوة در احوال مشایخ نقشبندیه که از کتب روان بی پیرایه زبان فارسیست

قرن دهم نیمه اول قرن دهم هندوستانرا از حیث ادبیات باید جزو قرن

نهم بشمار آورد زیرا که از يك طرف هنوز در بار آل تیمور در ایران برچیده نشده بود و ادبای ایران بهندوستان رغبتی نمیکردند و از طرف دیگر دامنه ملوک الطوائف در نیمه اول این قرن گسترده بود چنانکه سلسله افغانها در دهلی بسال ۹۴۶ بتوسط شیر شاه تاسیس شد و تا ۹۴۶ برقرار بود و خانواده حسین شاهی در بنکاله بتوسط حسین شاه در ۸۹۹ بسطانت رسید و تا ۹۴۴ در سلطنت بود - در ۹۶۰ خانواده سوری در بنکاله بتوسط شمس الدین محمد سوری غازی شاه بسطانت رسید و تا ۹۷۱ بجای خود بود و باز در بنکاله و بهار بسال ۹۷۱ سلیمان خان قرارانی بسطانت رسید و اولاد او تا ۹۸۴ در پادشاهی ماندند و در دکن در سال ۸۹۰ امیر فتح الله سلسله عمادشاهی را تاسیس کرد که تا ۹۸۰ باقی بود و در ۸۹۶ خانواده نظام شاهی در احمدنگر بتوسط احمد بن نظام شاه بسطانت رسید و تا ۱۰۰۴ برقرار بود و در بیدر بسال ۸۹۷ قاسم شاه سلسله بریدشاهی را تشکیل داد که تا سال ۱۰۱۸ باقی بود و در بیجاپور یوسف عادل شاه در سال ۸۹۵ سلسله عادلشاهی را مؤسس شد و تا ۱۰۹۷ بجای خود بود و در گدگنده در سال ۹۱۸ سلطان قلی سلسله قطب شاهی را برقرار کرد که تا ۱۰۹۸ باقی ماند بهمین جهت در نیمه اول قرن دهم در اغلب از نواحی هندزمینه برای ادبیات نبود تا اینکه در سال ۹۳۲ ظهیرالدین بابر از نواده تیمور که مدتی باعمام و برادران خود بر سر سلطنت ایران زد و خورد می کرد يك باره از تاج و تخت ایران مایوس شد و افغانستان و هندوستان را توأم کرد و سلطنت بزرگی برای فرزندان خویش فراهم ساخت . ظهیرالدین بابر باهمان آئین در بار آل تیمور پرورش یافته بود و از جمله شوق بزبان فارسی داشت بهمین جهت فرزندان ری که تا سال ۱۲۷۵ در هندوستان سلطنت کردند همه مروحین ادبیات فارسی بودند . پادشاهان این سلسله را در آغاز کار تمام هندوستان مسلم نشد و تا سال ۱۰۹۸ بعضی سلاطین دیگر در هندوستان بودند ولی بتدریج از میان



رفتند و در سال ۱۰۹۸ هجری قمری اورنگ زیب عالمگیر آخرین پادشاه سلسله قطب شاهی گلکنده را هم منکوب خویش کرد و تمام هندوستان این سلسله را مسلم شد ۱۱۵۱ شاهنشاه ایران ارکان سلطنت محمد نصیرالدین را متزلزل ساخت و دو باره کشور گرفته را بوی بخشید و در سال ۱۱۶۰ هجری قمری شاه درانی افغانستان را از این سلسله منتزع ساخت و الا اغلب پادشاهان این خاندان با کمال قدرت در هندوستان شهرسازی کرده اند و چون مشوقین و دوستاران زبان فارسی بودند و از طرف دیگر نخست صفویه تمام هم خویش را بمسائل دینی و صنعتی و سیاسی معطوف کرده و از ادبیات غافل بودند و سپس انقلابات بعد از صفویه و زو خورد های سلسله افشار و زند و قاجار مجالی برای ادبای ایران نمیگذاشت از نیمه دوم قرن دهم هر ادیب و شاعر ایرانی پادشاهان این سلسله پناه می برد و از خوان بخشش ایشان متنعم میشد مخصوصاً در میان پادشاهان این خاندان جلال الدین محمد اکبر که از ۹۶۳ تا ۱۰۱۴ سلطنت می کرد بوفور دهش و پرورش شعرا و دانشمندان و هنرمندان امتیاز مخصوصی داشت و در باروی در هندوستان مانند دربار یمین الدوله محمود غزنوی در غزنین بود. بهمین جهت است که نیمه دوم قرن دهم منتهای اوج ادبیات پارسی در هندوستان است و همان دوره منتهای ضعف ادب در ایران است چنانکه از ایران ادبا و هنرمندان بهند می رفتند و از هند متشرعین بایران می آمدند. در میان پادشاهان و شاهزادگان قرن دهم این سلسله بعضی بوده اند که شعر فارسی می گفتند از آن جمله است نصیرالدین همایون شاه که از ۹۲۷ تا ۹۶۳ سلطنت کرد جلال الدین محمد اکبر که از ۹۶۳ تا ۱۰۱۴ در سلطنت بود و نور جهان بیگم دختر خواجه ایاس زن نورالدین جهانگیر که از زنان معروف تاریخ اسلام است و فی الحقیقه تا بود پادشاه هندوستان بود و در کپاست و وجاهت نظیر نیاورده است و گلبدن



بیگم دختر ظهیرالدین بابر نیز در ادبیات ارسی مقامی دارد زیرا که کتاب همایون نامه که شرح سلطنت برادرش همایونست از قلم اوست اما از پادشاهان سلسله های دیگر این قرن اسمعیل عادلشاه از سلسله عادلشاهی بیجاپور که از ۹۱۶ تا ۹۴۱ سلطنت کرد و ثانی تخلص داشت و حسین نظام شاه دکنی از سلسله نظام شاهیان احمد نگر که از ۹۶۱ تا ۹۷۲ سلطنت کرد و متخلص بسپهری بود هر دو شاعر زبان فارسی بوده اند. معاریف شعرای این قرن بدین قرارند :

نخست شعرای دربار اکبر : خان زمان متخلص بساطان که از امرای بزرگ دربار بود — خان اعظم کوکلتاش که برادر رضاعی پادشاه بود — محمد اصغر حسینی مشهدی معروف بمیرمنشی و ملقب باشرف خان خوشنویس معروف دربار — شیخ فضل الله دهلوی ملقب بجمال خان و متخلص بجمال از معاریف شعرای قرن دهم هندوستان که مدتی هم در دربار ابوالغازی سلطان حسین بایقرا با ادبای ایران معاشر بوده و در ۹۲۰ درگذشته است. میرسیدعلی ترمذی متخلص بجدائی معروف ترین نقاش دربار اکبر و همایون — حیاتی گیلانی که مخصوصا نزد خان خانان اعتبار داشت و در ۱۰۱۵ فرمان یافت — یادگار جنتائی متخلص بحالتی — روغنی استرآبادی متوفی در ۹۸۰ شیخ یعقوب کشمیری متخلص بصرفی از شعرای محترم دربار متوفی در ۱۰۰۳ — غزالی مشهدی از شعرای مقرب به از آن پس مدتی هم ساکن دکن شد و بعد در خدمت خان زمان خان حاکم جونپور بود. فیض اکبرآبادی مالک الشعرای دربار صاحب غزلیات معروف و مثنوی نل و من معروفترین شاعر قرن دهم هندوستان. مقام بسیار رفیع فیضی در میان شعرای هند از آنست که فی الحقیقه سازنده و شیوا کنند سبک هندوستانی اوست : چون این سبک غزل سرائی در میان ادبای ایران بسبک هندی معروفست بعضی تصور کرده اند که از اختراعات شعرای هنداست و بهمین جهت آنرا بیکانه دانسته اند و



حال آنکه این سبک شعر نخست در ایران پیدا شده باینمعنی که تا زمان سعدی شعرای ایران در غزلیات فقط معاشقات و مغازلات میسرودند و مضامین اخلاقی و حکمت آمیز در غزل گفته نمیشد تنها شعرای عارف مشرب حکم و نصایح آنها را با افکار مخصوصی بخود در شعر خویش از قصیده و غزل و رباعی و مثنوی جا میدادند. در قرن هفتم سعدی پایه تغزل را بجائی رسانید که باعث نومیدنی هر فارسی زبان شد و هیچ شاعری حد خود را در آن ندید که پس از سعدی غزل عاشقانه بگوید زیرا یقین داشت کسی بهیچ نخواهد خرید از طرف دیگر در نتیجه مصائبی که از فتنه مغل بر مردم ایران وارد شده بود چاره منحصر بفرد بردباری بود که دلداری درونی و شخصی باشد طبعاً فکر مردم ایران بتصوف مایل شد که بهترین مسکن الام درو نیست و بهمین جهت در قرن هفتم تمایل عمومی در ایران نسبت بتصوف اشکار است و شعر صوفیانه گفتن پسند هر کسی بود این افکار صوفیانه کم کم شعرا را بخیالهای نازک دقیق و تعقیدات معنوی راهنماشد و در ضمن ابتدال مضامین قدیم و تمام شدن موضوع و نیافتن ممدوح سزاوار ستایش و نداشتن آزادی سیاسی و از همه بالاتر خاموش شدن حس دلیری و دلاوری در نتیجه تلخی های بسیار و تمکین های ناگوار طبع ایرانی را بخیال بافی و اندیشه های دور و دراز برانگیخت و نتیجه آن شد که فرزندان آن فردوسی رجز خوان و آن فرخی سراینده فتح نامه کالنجر و قنوج و شو منات و آن خاقانی گوینده قصیده مداین و آن عنصری جاوید گنده نام محمود غازی همه بانگهای دلخوش شدند و مانند میوه ای گشتند که هر چه بیشتر بر شاخه خود بماند نیروی زندگی را در پر کردن مغز خود بکار می برد و بالطبع مقدمات سبک هندی در ایران پدیدار شد ولی البته چون بهندوستان رسید بعضی از افکار مذاهب هندو هادر آن راه یافت و تصوف پر رنگ تر شد و ازین میان شعر فیضی پدیدار

گشت در هر صورت فیضی یکی از زرگترین اصنام ادبیات مادر هندوستان است و واقعا برای کسی که بنازك كاری سبك هندی اشذانت شعر فیضی لذتی مخصوص دارد و نشاءه می بخشد

شعرای دیگر این قرن که در دربار جلال الدین اکبر نبوده اند بدین قرن اوتند محمد شاه قندهاری متخلص بانسی که با ظهیر الدین بابر هند رفت و در ۹۲۷ درگذشت یکسی غزنوی متوفی در ۹۷۳ - خواجه حسین مشهدی متخلص بشانی که از ایران هندوستان رفت و مخصوصا با عرفی و فیضی محشور بود - صلاح الدین ساوجبی متخلص بصرفی مدتی در گجرات بود و در ۹۹۹ با فیضی بدکن رفت و همانجا درگذشت - ظهوری ترشیزی صاحب ساقی نامه و غزلیات معروف که از ایران بدکن رفته بود و از انجا به بیجاپور و در دربار ابراهیم عادلشاه مقیم بود در ۱۰۴۵ درگذشت سید جمال الدین محمد شیرازی متخلص بعرفی یکی از معروف ترین شعرای قرن دهم ایران که او نیز از ایران هند رفت و در شهر فتح پور اقامت گزید با فیضی دوستی بهم زد ولی در جوانی سال ۹۹۹ درگذشت - ملک قعی شاعر معروف ایران در قرن دهم که او نیز به هند رفته بود و در دکن و بیجاپور در سلك شعرای ابراهیم عادلشاه می زیست و در ۱۰۲۴ فرمان یافت - نظیری نیشابوری که او هم از ایران رفت و جزو ملازمین خان خانان شد و در گجرات در ۱۰۲۳ مرد - نوعی جنبوشانی صاحب مثنوی سوز و گداز که او هم از ایران رفت و جزو ملازمین شاهزاده دانیال بود هند بخدمت خان خانان پیوسته شد - میر حیدر معانی کاشانی متخلص بر فیعی و پسرش سنجر کاشانی متوفی در ۱۰۲۱ هر دو مدتی در دربار اکبر بوده اند و بعد سنجر دربار ابراهیم عادلشاه به بیجاپور رفته است - دیگر از شعرای این عصر میر محمد حسین لاهیجی متخلص بقور طیب و خوشنویس و شاعر معروف در بار جهانگیر بوده که او نیز از ایران رفته و در ۱۰۲۸ فرمان یافته است .

اما در نثر فارسی و مخصوصاً از حیث کتب تاریخ شکوه قرن دهم هندوستان کمتر از شعر ندوده و مخصوصاً سبک خاصی که ملاحسین کاشفی در کتب خود و بیشتر در انوار سہیلی رواج داده بوده و عبارتست از نثر پر کنایه راستعاره و توریه و لطایف لفظی در میان مورخین این دوره هندو حتی دوره‌های بعد رواج کامل داشته و مخصوصاً قرن دهم و یازدهم روز بازار این سبک در نثر فارسی بوده است چنانکه کتبی که در ایران و در دربار صفویه هم نوشته می‌شد از قبیل تالیفات طاهر و وحید و اسکندر بیک منشی و حتی کتب فارسی که در دربار سلاطین آل عثمان می‌نوشتند بلکه فرامین و احکام و مکاتیب رسمی در بار ایران و هند و عثمانی همه بدین سبک بود و در واقع میرزا مهدی خان استرآبادی در تاریخ جهان گشای نادری پیرو همین سبک بوده است و بعد مورخین دوره زند و اوایل دوره قاجار تا زمان میرزا ابوالقاسم قائم مقام همه بدین شیوه می‌نوشته‌اند به همین جهت تمام کتب نثر فارسی که در هندوستان از این بعد تالیف شده بیش و کم از این سبک خارج نیست. نویسندگان معروف این دوره بدین قرارند: فیض الله بن زین العابدین بن حسام بنیانی معروف بملك القضاء صدر جهان صاحب تاریخ صدر جهان که تا وقایع ۹۱۷ است. ابراهیم بن جریر صاحب تاریخ همایونی یا تاریخ ابراهیمی که در ۹۵۷ پایان رسید - ملا احمد بن نصر الله دیلمی قنوی پسر قاضی تنه مؤلف تاریخ الفی که در ۹۹۶ در لاهور کشته شد - ملا شاه محمد شهابادی مترجم کتاب اجاتارنگی نی در تاریخ کشمیر از زبان سانسکریت که در ۹۹۸ تمام رسانیده - فخری بن محمد امیر هروی صاحب روایات در اشعار امرا و پادشاهان که با اسم ابوالفتح شاه حسین غازی از پادشاهان بنکاله تمام کرده است - مهتر جوهر آفتابه چی صاحب تاریخ همایون شاهی یا تترك الواقعات که در ۹۹۵ تمام شده - نظام الدین احمد بن محمد مقیم هروی مؤلف طبقات اکبر شاهی یا طبقات اکبری

ویا تاریخ نظامی متوفی در ۱۰۰۳ - عبدالقادر بن ملوک شاه بداونی متخلص بقادری صاحب منتخب التواریخ متوفی در ۱۰۰۴ که شاعر و نویسنده خوب بوده است - عبدالحق حقی بن سیف الدین دهلوی صوفی مؤلف تاریخ حقی که در ۱۰۰۵ تألیف آن تمام شده - امام معروف ترین نویسنده این عصر را باید شیخ ابوالفضل ابن مبارک ناگوری متخلص بعلامی دانست که برادر فیضی شاعر بود و در ۱۰۱۱ کشته شد - این شیخ ابوالفضل بن مبارک هم از کسانیست که باید بیش ازین در ایران معروف باشد زیرا فقط صاحب مؤلفات بسیار نیست و در تمام علوم دست نداشته است بلکه یکی از نویسندگان بسیار قادر زبان فارسی است و در زبان عرب نیز بقدری توانا بوده است که از تفسیر بی نقطه نوشتن او میتوان بقدرت وی پی برد . در زبان فارسی صاحب مؤلفات بسیار است که اهرم آنها را بسمع اقایان می رسانم : مجموع اللغات - عبار دانش که ترجمه و تهذیب جدیدی از کتاب کلیله و دمنه است - اکبر نامه در تاریخ سلطنت اکبر - ترجمه کتاب مها بهارته که در ۹۹۹ تمام شده - دیگری از نویسندگان بزرگ این عصر قاضی احمد غفاری مؤلف کتاب مشهور نکارستان و جهان اراست که شاعر و نویسنده زبردستی بوده و در ۹۲۵ در گذشته است و هر دو کتاب بقدر کفایت در ایران معروفت - مولفین دیگر هم در این عصر بوده اند که مهم ترین ایشان یوسف بن محمد بن یوسف طبیب هروی معروف بیوسفی بوده طبیب و شاعر معروف و صاحب مولفاتی که در ایران بسیار رایجست از قبیل طب منظوم معروف بطب یوسفی و جامع القوائد و علاج الامراض و ریاض الادویه و مجر الجواهر و غیره - دیگر محمود الدین محمد بوده است صاحب تحفة السعاده یا فرهنگ اسکندری که در ۹۱۶ تمام کرده و مؤلفان شاعر هم بوده و محمود متخلص می کرده . دیگر محمد بن فصیح محمد ملقب بکریم دشت بیاضی پس فصیح شاعر و مؤلف شرح نصاب -



قرن یازدهم در قرن یازدهم موجبات ترویج ادبیات فارسی در هند مانند قرن دهم فراهم بود و مخصوصاً چون روابط پادشاهان هند با دربار ایران استوار بود ادبیات فارسی بهمان حال در هند باقی ماند از پادشاهان ایندوره که بزبان فارسی شعر گفته اند نورالدین جهانگیر است که از ۱۰۱۴ تا ۱۰۳۷ پادشاهی کرد و دیگر ابوالمظفر محیی الدین اورنگ زیب عالمگیر که از ۱۰۶۹ تا ۱۱۱۸ سلطنت داشت و کتابی هم با اسم اسب نامه در احادیث راجع باسب تالیف کرده است و نیز منشاتی از او مانده و دیگر محمدقلی قطب شاه بانی حیدر آباد دکن از پادشاهان قطب شاهی دکن متوفی در ۱۰۲۰ متخلص بقطب شاه و پسرش سلطان محمد قطب شاه متوفی در ۱۰۳۵ متخلص بطل الله . اما از شاهزادگان این دوره نخست محمد دارا شکوهست برادر اورنگ زیب صاحب سفینه الاولیا که در ۱۰۹۴ تالیف کرده و قادری حنفی بوده است و بهمین جهت قادری تخلص میکرد و در ۱۰۶۹ متوفی شد و دیگر زیب النساء بیگم دختر عالمگیر شاعره مشهوره هند و یکی از زنانی که بهتر از همه بزبان فارسی شعر گفته اند و در فضل و مقامات علمی یکی از معروفترین زنان اسلامست زیرا که در ادبیات فارسی و تازی و در انواع خطوط در منتهای قدرت بود و همسراختیار نکرد و در سال ۱۱۱۳ درگذشت.

معروفترین شعرای این دوره : میر محمد مومن بزدی متخلص با دائی متوفی در ۱۰۳۰ - میرزا ابراهیم بن میررضی ارتیمانی متخلص با دهم از سادات همدان - برهن چندر بهان زاردار متوفی در ۱۰۷۳ - شیخ محمود متخلص بحیران خوشنویس و معلم زیب النساء بیگم - میرزا محمدقلی طرشتی طهرانی متخلص بسلیم که از ترکان بود و در زمان شاه جهان بهند رفت و ندیم میرعبد السلام مشهدی ملقب باسلام خان شد و در سال ۱۰۵۷ در هند درگذشت - حاج

محمد اسام کشمیری متخلص بسالم از ملازمین شاهزاده محمد اعظم که در کشمیر سال ۱۱۱۹ فرمان یافت - میرزا محمد علی تبریزی اصفهانی متخلص بصائب معروفترین شاعر قرن یازدهم ایران در اواخر سلطنت جهانگیر بهند رفت و در دکن ساکن شد و مستعد خان لقب گرفت و پس از مدتی توقف در برهانپور و کشمیر بایران برگشت و در ۱۰۸۰ درگذشت - صیدی طهرانی که از اصفهان بهند رفت و در دربار شاه جهان بود - طغرای مشهدی از ایران بهند رفت و از ملازمین مراد بخش پسر شاه جهان بود و در کشمیر رحلت کرد و شاعر و منشی زبردستی بود چنانکه انشاء او در هند هنوز در درجه اولست - ملامحمد طاهر کشمیری متخلص بغنی که از معاریف شعرای این دوره بوده و در ۱۰۷۹ رحلت کرد - میر معز موسوی متخلص بفطرت که نخست موسوی تخلص میکرد و از عمال دربار جهانگیر بود و بسال ۱۱۰۱ درگذشت - حاج محمد جان مشهدی متخلص بقدسی که از ایران بدربار شاه جهان رفت و در مثنوی و قصیده از معاریف شعرای هندست و در ۱۰۵۰ رحلت کرد - قباد بیک گرجی متخلص بکو کبی که نخست غلام شاه عباس بود و پس از او بهند رفت و در حیدرآباد دکن ماند و در ۱۰۳۳ مرد ابوطالب همدانی متخلص بکیم که او و صائب بزرگترین شعرای این دوره و برگزیده ترین شاعر سبک هندی بودند و کایم دوبار بهند رفت و بار دوم انجا ماند و ملک الشعرای دربار شاه جهان شد و در ۱۰۶۱ فرمان یافت - میر معصوم کاشانی پسر میر حیدر معمائی و برادر سنجر کاشانی که در زمان شاه جهان بهند رفت و در بنکاله میزیست - ابوالبرکات لاهوری متخلص بمنیر شارح معروف قصاید عرفی متوفی در ۱۰۵۴ از منشیان معروف و صاحب منشآتست باسم نیکارستان منیر - قهرمان میرزا عبدالرحیم خان خانان سپهسالار پسر بیوم خان و متخلص برحیم از رجال بزرگ هندوستان بزبان فارسی و ترکی و هندی شعر خوب میگفت و در ۱۰۳۵

درگذشت و کتاب واقعات بابری یا تروک بابری را از ترکی بفارسی ترجمه کرده است. پدرش بیروم خان خان خانان نیز از شعرای معروف قرن دهم و از بزرگان رجال دربار اکبر بود. میرزا اسعدالدین محمد مشهدی متخلص براقم از نقاشان معروف ایران در دوره صفویه و از شاگردان نقاشان اروپائی بود که باصفهان آورده بودند و بزرگترین استاد نقاشی فرنک در ایران که مدتی هم از جانب شاه سلیمان صفوی بوزارت هرات رفته بود پس از آن چندی در دربار هندوستان اقامت کرد و ای عاقبت بایران بازگشت. سعیدای گیلانی ملقب بلبی دل خان درخوش نویسی و حکاکی استاد بود و بهندوستان رفت و در زمان جهانگیر و شاه جهان داروغه زرگر خانه بود. -- میرزا غازی قتوی متخلص بوقیاری که از جانب پادشاهان هند حکمران قندهار بود

اما نویسندگان این دوره: محمد حسن قانی مولف دبستان المذاهب که اصلاً از زردشتیان پشته هند بود و کتاب خود را در ۱۰۶۳ تمام کرد محمد معصوم بن سید صفائی حسینی ترمذی بهگری ملقب بنامی صاحب تاریخ سند متوفی در ۱۰۱۵ - محمد مراد بن عبدالرحمن مولف سیر البلاد ترجمه آثار البلاد قزوینی که دو دربار جهانگیر بود - شتاب خان علاءالدین اصفهانی غیبی پسر ملک علی و مؤلف بهارستان در تاریخ بنگاله یا بهارستان غیبی که برای جهانگیر شاه سلطان بنگاله نوشته است - رفیع الدین ابراهیم بن نورالدین توفیق شیرازی مؤلف تذکره الملوک در تاریخ بیجا پور که در ۱۰۱۸ پایان رسیده اسکندر بن محمد ملقب بمنجیو اکبر صاحب مرآت سکندری یا تاریخ اسکندری در تاریخ گجرات که در تاریخ ۱۰۲۰ تمام شده - حیدر ملک بن حسن ملک بن محمد حاجی چاروره ای صاحب تاریخ کشمیر اختصار از کتابی که بزبان سانسکریت بوده و در ۱۰۳۰ تمام کرده است.

حسن بن گل محمد صاحب تحفة السلطانیة در انشاء که با اسم شاه جهان نوشته است - محمد بدیع الزمان مهابت خانی صاحب لطایف الاخبار متوفی در ۱۱۰۵ محمد امین منشی صاحب پادشاهنامه در تاریخ شاه جهان و پسرش محمد کاظم منشی مؤلف عالمگیرنامه که شامل وقایع تا ۱۰۷۸ است - شهاب الدین احمد طالش بن محمد ولی مؤلف فتحیه عبرتیه یا تاریخ اشام در شرح جنگ خان خانان میر محمد سعید اردستانی ملقب بمیر حمله تا وقایع سال ۱۰۷۳ - میرزانورالدین محمد شیرازی ملقب بنعمت خان عالی و دانشمند نپان و متخلص بعالی مؤلف روزنامه محاصره حیدرآباد یا وقایع حیدرآباد بدست اورنگ زیب این نعمت خان شاعر نیز بوده است و شهر او در هند شهرتی دارد و بسال ۱۱۲۱ در گذشته - محمد ساقی مستعد خان صاحب مائر عالم گیری که در ۱۰۲۲ تمام شده - عبدالله مؤلف تاریخ داودی در تاریخ سلطنت اودی ها - الله داد فیضی سرهندی پسر اسدالعلما علیشیر صاحب تاریخ اکبری که در ۱۰۱۰ با تمام رسیده - معتمد خان محمد شریف بن دوست محمد صاحب تزوک جهانگیری و اقبالنامه جهانگیری متوفی در ۱۰۴۹ عبد الحمید لاهوری صاحب پادشاهنامه یا شاه جهان نامه متوفی در ۱۰۶۵ - نور الحق مشرقی دهلوی بخاری پسر شیخ عبدالحق حقی بن سیف الدین دهلوی صوفی صاحب زبدة التواریخ که در ۱۰۱۴ تمام کرده محمد قاسم هنده شاه بن غلامعلی هندوشاه استرآبادی متخلص بفرشته صاحب کلشن ابراهیمی یا تاریخ فرشته که در ۱۰۳۳ تمام شده - حیدرعلی بن حسینی رازی مؤلف مجمع التواریخ که در ۱۰۲۸ با تمام رسیده - رای بندر ابن راس پسر دای بهار امل صاحب لب التواریخ هند تا وقایع سال ۱۱۰۱ - سنجان منشی هزاری مؤلف خلاصة التواریخ یا تذکرة السلاطین که در سال ۱۱۰۷ با تمام رسیده - محمد افضل بخاری مترجم یادداشت ها یا تزوک تیمور با اسم ملفوظات صاحب قران که در ۱۰۷۴ بانجام رسانیده است



عبدالحق بن سیف‌الدین بن سعدالله ترك دهلوی بخاری از قادیانیه هندنکارنده اخبار الاخيار فی اسرار الابرار که در مکه در سال ۹۹۶ تمام کرده و کتاب زادالمتقین فی سلوک طریق الیقین - متوفی در ۱۰۵۲ - اما مؤلفین دیگر این عصر : امین احمد رازی صاحب تذکره معروف هفت اقلیم که در ۱۰۰۲ با تمام رسیده - شیر علی خان بن اجل خان لودی نویسنده تذکره مرآت الخیال که در ۱۱۰۲ بانجام رسانده است - راج‌الدین علی خان متخلص بارزو نکارنده سراج اللغات در لغت فارسی و چراغ هدایت در کنایات واستعارات زبان فارسی و مجمع النفیس تذکره شعرا که در ۱۱۶۴ تالیف کرده و خود در ۱۱۶۹ در گذشته است و از مؤلفین مشهور هندوستانست - بقالی مؤلف مجمع الفضلا تذکره شعرا تا زمان جلال‌الدین اکبر - عبدالرشید حسینی مدنی قنوی متخلص برشیدی صاحب دو کتاب لغت معروف اولی منتخب اللغات که در ۱۰۴۶ تمام شده و دومی فرهنگ رشیدی که در ۱۰۶۳ با تمام رسانیده است - نواب عضدالدوله جمال‌الدین حسین بن فیخرالدین انجو مؤلف معروف فرهنگ جهانگیری که در سال ۱۰۳۵ در اکره فرمان یافته است - محمد حسین بن خلف تبریزی متخلص برهان صاحب کتاب برهان قاطع که متداولترین فرهنگهای زبان فارسیست و در ۱۰۶۲ با تمام رسیده است - ملا عبدالنبی فیخرالزمانی قزوینی نکارنده تذکره میخانه - امان‌الله خان زادخان فیروز جنگ پسر مهتاب خان سپهسالار پسر غیور بیک مؤلف کتاب ام‌العلاج یکی از کتب معروف طب فارسی - نورالدین محمد عبدالله حکیمی شیرازی نکارنده کتاب‌های دارا شکوهی که آن نیز از کتب معروف طب بزبان فارسیست .

**قرن دوازدهم در قرن دوازدهم حمله نادرشاه بر هندوستان در سال ۱۱۵۹**

برتری نظامی ایران را هم در هند آشکار کرد ولی در اواخر این دوره زبان اردو که کم‌کم در هند پیدا شده بود اندکی بنای رقابت را با زبان فارسی گذاشت و بعضی

از مسلمین هند اردو را زبان شعر خود قرار دادند بهمین جهت در اواخر قرن دوازدهم ادب فارسی در هنداندکی تنزل دید ولی اغلب شعرا بهر دوزبان شعر می گفتند و بلکه شعر فارسی را لازم داشتند که همواره منبعی برای شعر اردو باشد ، شعرای معروف این دوره بدین قرارند : تشبیبی کاشانی که چند بار بکازری بهند رفته و مدتی در لاهور مانده است و دیوان اشعار فارسی او در سه جلد و مثنوی دره و خورشید او در هندوستان بسیار متداولست - ملا علی رضای اردکانی متخلص بتجلی مدتی در هند ساکن بود و بمعاملی فرزندان علی مردان خان اشتغال داشت و بعد بایران برگشت - شیخ محمدحزین اصفهانی گیلانی که در زمان نادرشاه بهندوستان رفت و در بنارس متوطن شد و در آنجا بسال ۱۱۸۰ در گذشت و معروف ترین شاعر قرن دوازدهم هندست - سید حسین اصفهانی ملقب بامتیاز خان و متخلص بخالص از امرای هند و حاکم عظیم آباد بود در زمان شاه عالم بادارائی بسیار خود خیال بازگشت بایران کرد خدایار خان مرزبان سند چشم برمال او داشت و کسان خود را فرستاد شبانه وی را در راه کشتند و مالش بزدند و در ۱۱۲۲ کشته شد ، او نیز از معاریف شعرای هندوستان درین قرنست - سلطان بایزید متخلص بدوری ملقب بکاتب الملک معروف ترین استاد نسختهایق در هندوستان - خواجه میر محمدی بن خواجه محمد ناصر دهلوی متخلص بدرد صاحب رسائل متعدد در تصوف مانند ناله درد و آسرد و درد دل شمع محفل و مؤلفات دیگر در اردو و فارسی متوفی در ۱۱۹۹ یکی از معاریف متصوفین و مؤلفین هند بوده است - فقیرالله لاهوری متخلص بافرین متوفی در ۱۱۵۴ - که او نیز از شعرای معروف این قرن است میر قمر الدین ملقب بنواب آصف جاه متوفی در ۱۱۶۱ قز لباس خان همدانی متخلص بامید متوفی در ۱۱۵۹ - امینای نجفی که پسر ملا محمود کلید دار نجف بود و بهند وستان رفته بود - قاضی محمد صادق خان

متخلص باختر از نواحی کلکته مؤلف صبح صادق و نور الانشاء و محمد حیدریه و تقودالحکم و دیوان اشعار از شعرا و منشیان زبردست این عصر بوده است - رفیع خان متخلص بیاضل پسر میرزا محمود شهدی که از اولاد حافظ شیرازی بوده در سال ۱۱۲۳ در گذشت - میر محمد زمان راسخ سر هندی از عمال شاهزاده محمد اعظم بود و در ۱۱۰۷ در گذشت - حکیم سعید ارمینی متخلص بسرمد که بهندوستان بتجارت رفته بود و در شهر پتینه مقیم گشت و باداراشکوه رابطه دوستانه یافت ولی دیوانه وار و برهنه زندگی می کرد و بالاخره بتهمت جنون در ۱۰۷۱ کشته شد و شاعر خوبی بود - میرزا طاهر اصفهانی متخلص بطاهر ملقب بالتمغات خان و بعد ملقب بملفت خان که در هند بمنصب عالی رسید و در ۱۱۴۹ بدست راه زنان کشته شد - میر شمس الدین عباسی دهلوی متخلص بفقییر که معروف ترین منشی هندوستان در قرن دوازدهمست - میرزا جان جان دهاوی متخلص بمظهر از شعرای معروف این عصر که در ۱۱۹۴ فرمان یافت -

اما نویسندگان بزرگ درین دوره : محمد علیم بن حافظ جان محمد معروف بامام خطیب مسجد جامع دهلی صاحب منتخب البدایع که در ۱۱۲۵ تمام شده پندت از این کول متخلص بها جز مؤلف تاریخ کشمیر تا وقایع سال ۱۱۲۷ - محمد اعظم دیدهمری پسر خیرالزمان نویسنده کتاب واقعات کشمیر تا وقایع سال ۱۱۶۰ - میر عبدالرزاق صمصام الدوله شاه نواز خان خواقی اورنگ آبادی صاحب کتاب مائرا لابرار که کتاب بزرگیست در احوال امرای هندوستان بترتیب حروف هجا و مؤلف مزبور در ۱۱۷۱ کشته شده است - عبد اللطیف خان بن ابوطالب بن نورالله بن نعمت الله حسینی شوشتری صاحب تحفة العالم که در ۱۱۲۶ تالیف ان تمام شده - بهم سین خیاط پسر رگهوند نداس نکارنده کتاب دلگشا در تاریخ جنگهای دکن که بسال ۱۱۲۰ تمام شده - اشاس سیوداس

لکهنوی مؤلف شاهنامه و فور کلام که در ۱۱۳۵ پایان رسیده - محمد هادی ملقب بکافور خان صاحب چند تالیف معروف از آنجمله تذکرة السلاطین چغتای و متمر جهانگیر نامه و تاریخ عمومی هند و هفت گاشن محمد شاهی که در سال ۱۱۳۲ با تمام رسیده - محمد هاشم ملقب بهاشم علیخان یاخانی خان نظام المملکی نویسنده منتخب اللباب در تاریخ که بسال ۱۱۴۴ پایان رسانده است - محمد اسلم بن محمد حافظ انصاری قادری صاحب فرصة الناظرین که در ۱۱۸۲ با تمام رسیده - محمد افضل سرخوش مؤلف تذکرة کلمات الشعراء متوفی در ۱۱۲۷ میر غلامعلیخان حسینی واسطی بلاگرامی متخلص بازاد از شعرا و مولفین و محققین معروف این عصر و یکی از رجال نامی ادبیات هند صاحب مولفات بسیار از آن جمله تذکرة خزانه عامره که در ۱۱۷۶ تمام شده و تذکرة ید بیضا که در ۱۱۴۸ تالیف کرده - و تذکرة سرو آزاد که ۱۱۱۹ با تمام رسانده و مائر الکرام و روضة الاولیا و سبحة العرجان و غیره و خود در ۱۲۰۰ رحلت کرده است - علی قلیخان و اله داغستانی صاحب تذکرة ریاض الشعراء که در ۱۱۶۱ با تمام رسیده است - میر عبدالوهاب دولت آبادی صاحب تذکرة بی نظیر که در ۱۱۶۶ تمام شده - حکیم بیک خان ملقب بشاه عبدالحکیم حاکم لاهوری صاحب تذکرة مردم ایده که در ۱۱۷۵ تمام کرده و خود نیز شاعر بوده است - شفیق اورنگ آبادی مؤلف تذکرة گل و عنای و تذکرة شام غریبان - حکیم باقر حسینیخان متخلص برائے نگارنده تذکرة گلدسته کرناٹک که از ملازمین نواب اعظم جاه بهادر بوده و در ۱۱۴۸ رحلت کرده است - مرتضی حسینی بلاگرامی ملقب بالله یار عثمانی صاحب حدیقة الاقلید در جغرافیا که بسال ۱۱۹۶ تالیف شده - خلیفه شاه محمد مؤلف جامع القوانین در انشا و متوفی در ۱۱۱۴ که از منشیان زبردست عصر خود بوده است . اما معروفترین نویسنده این عصر شاعر مشهور میرزا ابوالمعالی عبد القادر عظیم

آبادی دهلوی متخلص بیدل متوفی در ۱۱۳۳ صاحب غزلیات و منشآت معروف و چهار عنصر در تصوف بنظم و نثر - بیدل بزرگترین شاعر قرن دوازدهم هند بود و یکی از ارکان غزل بسبک هندیست و کسی است که این سبک را باوج رفعت خود رسانده است.

**قرن سیزدهم** - در قرن سیزدهم دامنه رواج زبان اردو در هند گشاده تر شد و بهمین جهت قلمرو زبان فارسی در هندوستان تنگ تر گشت ولی اغلب شعرا همچنان بهردوزبان شعر گفته اند و شاعری که فقط بزبان اردو شعر گوید نادرست در اواخر این قرن یعنی در سال ۱۲۷۵ سلطنت هندوستان یکباره بتوسط دولت انگلیس برچیده شد ولی اسببی بادیات فارسی نرسید زیرا که از روز اول ورود قشون انگلستان بپندهندوها پیش از مسلمین و زردشتیان هندوستان تعقیب نشان داده بودند و بالطبع مامورین انگلیس با مسلمین فارسی زبان و زردشتیان نزدیک تر شدند و در زمانی که حکومت داخلی هند از میان رفت زبان فارسی را که پیش از انهم زبان دربار هند بود زبان اداری مامورین انگلیس در هند قرار دادند چنانکه تقریباً تمام مستشرقین انگلیسی آشنا بزبان فارسی از مامورین سابق دولت انگلیس در هندوستانند و یا برای خدمات وزارت هندوستان زبان فارسی را آموخته اند و بعد که دارالعلمهای جدید در هندوستان تشکیل یافت تدریس زبان و ادبیات فارسی را در تمام این دارالفنونها معمول کردند بهمین جهت اگر سلطنت فارسی زبان هندوستان از میان رفت اسببی بادیات فارسی در هند نرسید زیرا حکومت انگلیسی هندوستان هم زبان فارسی را پذیرفت و مخصوصاً از گشاده شدن هندوستان بدست انگلیس و روابط زردشتیان هند با علمای انگلستان فایده بسیار بزرگی با ایران رسید و آن معروف شدن کتاب اوستا و آئین زردشت در اروپای متمدن و از آنجا در تمام عالم بود

بهمین جهت قرن سیزدهم ادبیات هند نیز باید عنوان برجسته ای در تاریخ ادبیات ایران داشته باشد ولی درین دوره پیداشدن تمدن جدید در هندوستان همچنانکه در ایران هم موقه از عده شعرا و ادبای بزرگ کاست در هند نیز شعرای بزرگ نیرویدوتالی خسرو و فیضی و بیدل در قرن سیزدهم و چهاردهم هند نیست معذک درین دوره هندوستان از شاعر و نویسنده خالی نبوده است شعرای معروف این دوره بدین قرارند : مواونی محمد باقر نایطی مدرسی متخلص باگه متوفی در ۱۲۲۰ - نواب سید محمد امیر علی خان بهادر متخلص بامیر که اصلا از سادات کرمان بود و یکی از عمال بزرگ دولت انگلیس در هند بشمار میرفت . نواب مصطفی خان بن عظیم الدوله سرفراز الملک نواب مرتضی خان بهادر مظفر جنک رئیس جهانگیر آباد دهلی که در فارسی حسرتی و در اردو شیفته تخلص میکرد مؤلف ترغیب السالك الى احسن المسالك و تذکره گلشن بی خار و دیوان فارسی و اردو متوفی در ۱۲۸۰ و یکی از معروف ترین شعرای قرن سیزدهم هند - منشی احمد لکنهوی متخلص برسا صاحب مثنوی اشتر غم و چهار دیوان فارسی و استاد نظم و نثر و خوش نویس معروف و از عمال بزرگ دولت انگلیس متوفی در ۱۲۹۲ - نواب شاه جهان بیگم ملکه بهویال که در ۱۲۵۴ متولد شد در ۱۲۶۳ جلوس کرد - مولوی غلام امام شهید بن شاه غلام محمد لکنهوی متخلص بشهید معروف ترین شاعر غزل سرای قرن سیزدهم - شیخ نور الدین لاهوری پسر قاضی امانت الله متخلص بواقف معروف ترین شاعر این دوره میرزا اسدالله خان دهلوی ملقب بنجم الدوله دبیر الملک نظام جنک بهادر و متخلص بغالب که او نیز از شعرای معروف قرن سیزدهم هندست و در ۱۲۸۵ در گذشته است - از شعرای زردشتی هند درین عصر ملا فیروز بن کاوشست صاحب مثنوی

جارج نامه در تصرف هند توسط قشون انگلیس - اما نویسندگان معروف این قرن میرزا ابوطالب خان بن محمد بیك خان تبریزی اصفهانی معروف بابوطالب خان لندن که در لکهنو متولد شد و در آنجا بسال ۱۲۲۱ مرد و سفری بااروپا کرده است و سفر نامه معروفی با اسم مسیر طالبی نوشته که در قرن سیزدهم یکی از معروف ترین کتابهای زبان فارسی بود و وی مؤلف کتب دیگرست مانند تذکره خلاصه الافکار و کتاب لب السیار و تاریخ جهان آرا که در ۱۲۰۸ تالیف آن تمام شده - غلامعلی خان بن روشن الدوله بهگری خان بهادر رستم جنک بن روشن الدوله ظفر خان مؤلف شاه عالم نامه یا آئین عالمشاهی متوفی در ۱۲۰۳ - غلامحسین خان بن محمد همت خان نکرانده ذکر السیر که در ۱۲۲۱ تمام شده - نواب حاج کلبعلی خان بهادر مشیر قیصر هند پسر نواب محمد یوسف علی خان بهادر مؤلف سه مجموعه در اثر فارسی ترانه غم و قنديل حرم و شکوفه خسروی و در ضمن شاعر زبردستی بوده دیوان تاج فرخی در قصاید و غزلیات از وست و نواب تخلص می کرده - منشی محمد ظهیر الدین بلگرامی متخلص بظہیر معلم مدرسه لکهنو متوفی در ۱۲۹۲ مؤلف ظهیر الانشاء و مؤلفات دیگر - سید غلام حسین واسطی حسینی بلگرامی متخلص بقدر متوفی در ۱۳۱۵ ادیب معروف این عصر که او هم معلم مدرسه لکهنو بوده است - مولوی محمد احسن بلگرامی متخلص باحسن مؤلف ارتنک فرنک و صحیفه شاه جهانی و مصطلحات شاه جهانی متوفی در ۱۲۱۱ - خلاص شاه جهان آبادی مؤلف همیشه بهار متوفی در ۱۲۳۳ - محمد علی خان کشمیری متخلص بمتین نکرانده تذکره حیات الشعراء - قدرت الله گوباموی مؤلف تذکره نتایج الافکار که در سال ۱۲۵۶ تمام شده - سید محمد صدیق خان بهادر از امرای بهوپال نویسنده تذکره شمع انجمن و پسرش سید نورالحسن مؤلف تذکره نکرستان سخن - نواب اعظم الدوله میر محمد خان ملقب بشهزمان

بهادر و متخصص سرور مؤلف عمدهٔ منتخبه در تذکرهٔ شعرای هند که در ۱۲۲۴  
تالیف شده - محمد غیاث الدین بن جلال الدین بن شرف الدین ساکن مصطفی  
آباد رامپور صاحب کتاب معروف غیاث اللغات که در ۱۲۴۲ با تمام رسیده و مفتاح الکنوز و  
شرح اسکندر نامه و باغ و بهار که در ضمن منشی و شاعر توانا بوده است و از مولفین  
معروف قرن سیزدهم بشمار آید - محمد شریف خان دهلوی پسر صادق الملک  
حکیم محمد اکمل خان که از طبیبی نامی این عصر است و تالیفات مهم دارد از  
آن جمله تالیف شریف در مفردات طب بحروف هجا و علاج الامراض که در سال  
۱۲۷۷ تمام شده است -

قرن چهاردهم در قرن چهاردهم نیز زبان اردو در ادبیات هندوستان  
بازبان فارسی شریک بوده است ولی خدمت مهمی که در قرن چهاردهم  
ادبای هندوستان بایران کرده اند و متأسفانه در ایران کمتر کسی متوجه آن  
بوده است طبع کتب ادبیات فارسی و مخصوصاً دواوین شعراست چنانکه بيمبالغت  
توان گفت کتاب فارسی نیست که نسخه آن در هندوستان یافت می شده و بطبع  
ان نپرداخته اند و از این حیث خزانه بسیار بزرگی برای ما در هندوستان هست  
و مخصوصاً چون در شهر بمبئی وسایل چاپ سنگی از ایران فراهم تر بوده  
هنوز هم حتی بعضی از شعرا و مؤلفین ایرانی مخصوصاً ادبای جنوب ایران  
آثار خود را برای طبع به بمبئی می فرستند و عدّه کتب فارسی چاپ هندوستان  
بقدریست که اگر کسی بخواهد میتواند با قیمت بسیار ارزان کتابخانه بسیار  
بزرگی که تقریباً شامل تمام ادبیات ایران باشد فقط از کتب چاپ هندوستان  
تدارک بیند و اغلب کتب متداول ما در هند چاپهای متعدد خورده است مخصوصاً  
درین میان اسم مطبعه نزل کشور لکنپورا نباید از یاد برد و سلسله نشریات  
انجمن آسیائی بنکاله در کلکته که از موسسات مستشرقین انگلیسی در هندوستانست



اغلب کتب بسیار گران بهادست فارسی زبانان داده است و از آن گذشته در اغلب از شهرهای هند از قبیل لاهور و حیدرآباد و اعظم گده کتب فارسی بسیار چاپ کرده اند که شاید صد يك آن در ایران و سایر ممالک فارسی زبان بطبع نرسیده. در این ده دوازده سال آخر زردشتیان هندوستان هم شروع بخدمات بسیار مهم در زبان فارسی کرده اند بدین معنی که از موقوفات خود وسیله ترجمه و طبع و نشر کتب قدیم ایران را بزبان فارسی فراهم آورده اند و مخصوصاً مساعی دوست دانشمند قدیم من آقای پور داود که بایک تعصب ایرانی و شور خستگی نا پذیر باین کار مهم دست زده است قابل شکرانه هاست. درین موقع طبعاً انسان بنیاد خدمات سیاسی و ادبی مهم روزنامه جبل المتین کلکته و مدیر بزرگواران آقای سید جلال الدین حسینی کاشانی مؤید الاسلام میفند که سی و هفت سال تمام است مشعل هدایت ایرانیان را درهند بر افروخته و عمر شریف خود را در خدمت بایران و زبان فارسی گذرانده است ولی چون مجله ارمغان در شماره گذشته دین انجمن ادبی ایران را بخوبی بر گذارده است و آقایان همه با مندرجات آن متفق الکلمه اند من فقط این کلمات را بیک احساسات ادبای ایران قرار میدهم شاید امواج هوا بگوش او برساند و بداند که ملت ایران سپاس گذار است. اما در باب شعرا و نویسندگان این قرن همیشه در هر زمانی اطلاع از ادبای معاصر و حدود دست زیرا تا سراینندگان و گویندگان زنده اند اولاً قسمت اعظم آثار ایشان انتشار نیافته است و ثانیاً چنانکه باید بی طرفی در آثار ایشان حکم نکرده اند بهمین جهت من باسامی چند نفر از شعرا و نویسندگان که آوازه ایشان بما رسیده است قناعت میکنم البته تاریخ ادبیات ایران کسانیرا که امروز بزبان فارسی در هند می نویسند و میسرایند یا فردا خواهند نوشت و خواهند سرود و آموش نخواهد کرد و تاریخ همیشه برای انصاف و حق گذاری بازست. از نویسندگان این عصر هندوستان در قدم

اول شمس العلماء علامه بزرگ شبلی نعمانیرا باید دانست که صاحب مؤلفات بسیار معروفست بعبری و فارسی و اردو و البته در راس آثار او کتاب شعر العجم را باید قرار داد که بزبان اردو با تحقیقات کامل و منتهای استادی تمام بزرگان ادبیات فارسی را چنانکه حق ایشانست معرفی کرده و این کتاب امروز مخصوصاً در میان مستشرقین یکی از ثقات منابع ادبیات فارسیست. دیگری از مؤلفین معتبر این قرن محمد پادشاه متخلص بشاد پسر غلام محیی الدین صاحب مؤلف فرهنگ اندد راج است در سه جلد بزرگ که الحق جامع ترین آتب لغت زبان فارسیست و کسانی که در این راه گام زده اند داندند که تالیف چنین کتابی چه کوشش های متمادی لازم دارد و این کتاب در سال ۱۳۰۶ تمام شده است. اما از شعرای این دوره غمزه دهلوی و نوای دهلوی و سید علی اصغر بلگرامی را می شناسیم حسین متخلص بشریف رئیس قصبه زبد پور صاحب مثنوی باغ ارم که در ۱۳۰۳ تمام شده - منشی محمد ابوالحسن صاحب گوینده مثنوی تحفة طهران که در ۱۳۰۸ پایان رسیده است - نواب میر عثمان علی خان پادشاه کنونی دکن از سلسله آصفیه که از تمام شهریاران زمانه پرورش ادبیات فارسی اختصاص دارد نیز شعر فارسی را نیکو می سراید و عثمان متخلص میکند - مهراجه سرکشن پرشاد بهادر یمین السلطنه صدر اعظم سابق دکن نیز که در تابستان امسال بگردش ایران آمده بود در زبان فارسی شاعر و ادیب است - اما معروف ترین و بزرگترین شعرای کنونی هندوستان دکتر اقبال است که از دانشمندان هند بشمار میاید و گذشته از شاعری در ادبیات ایران استاد کاملست و از کسانیست که این قرن بوجود او آراسته است - شاعر دیگری هم از دوستان قدیم ما در هندوستانست که مدتها در طهران اعضای انجمن ادبی ایران باوی محشور بوده اند و هرگز سادگی و صفای طینت او و طبع شاعرانه حساس و مهربان وی را فراموش نخواهند کرد

و من مخصوصاً لذت می برم که این چند کلمه آخر امشب خود را بنام او جلالت  
بخشم و از دور سلامی باو برسانم و او پروفیسر محمد اکبر منیر شاعر جوان  
بلند قریحه ایست که هنوز گوشه‌های آقایان اعضای انجمن ادبی ایران از آن لحن  
شیرین شعر خواندن او محظوظست .

بقلم اشراق خاوری

بقیه از شماره قبل

## ( تاریخ لمیا )

فضل پنجاه و یکم — یعقوب بن کاسی

پیر مرد پیش رفته حلقه آهنینکه در میان در بود بحرکت آورده در  
بگوید دربان از در یچه کوچکی که بر فراز در بود سر بر آورده گفت کیست ؟  
پیر مرد گفت میهمانی است میخواست با استاد یعقوب ملاقات کند دربان بدقت  
چشم بکوچه افکنده لمیا را بدید و از حسن اندام و رشاقتمت و متعجب شده  
باسرعت بیامد در بگشود و گفت آقای من درون آی استاد در منزلت پس از  
آن در را تمامی بگشود و خود بیکطرف استاد تالمیا وارد شود لمیا پس از بدرود  
و خدا حافظی با کاروانسرا دار داخل منزل شد پیر مرد سرایدار بازگشت و از  
اخلاق و آداب حسنه این مسافر و سخاوت وی بی نهایت متعجب بود چون لمیا  
وارد شد دربان او را بر زبر سکوئی که در کریاس بود نشانیده خود رفت تا  
یعقوب را اطلاع دهد پس از لحظه یعقوب را شنید که بدربان می گوید کجاست ؟  
دربان گفت بر در منتظر است یعقوب خود آمده و لمیا احترام او را پخواست  
یعقوب با خوشروئی او را تلقی نموده گفت آفرین بر میهمان کریم محترم ما .  
فرما بنشین آنکاه یعقوب در مقابل لمیا بر زبر کرسی نشسته و از نظافت جیامه